

MARVEL 5  
OF 6

GAGE  
FERREYRA

# SPIDER-VERSE

FEATURING  
SPIDER-MAN  
NOIR

دورنامه

dorname.ir

کاری از: کیوان داوند



"اسمم پیتر پارکره و کار آگاه خصوصی هستم."

"گواهی کارم رو خیلی وقت نیست که گرفتم ولی مدتی که کار مرتبط می کنم."

"و تو این مدت چیزهایی رو دیدم که باعث می شه گفته- سربازهای جنگ از خوردن صبحانه، نهار و شام بیفتند."

"زندگی من حتی عجیب تر شد وقتی به عنکبوت جادویی که از مجسمه ای باستانی اومده بود بیرون، منو نیش زد."

"درسته، اونچور نگاه کن برام مهم نیست."

"نمی دونم اینجا واقعی هستند یا دارم هذیون می گم. ولی من اسپایدرگاد رو دیدم. به من گفت که الان برای اون کار می کنم."

"ما هر دو برای عدالت کار می کردیم. پس من به تنها روشن مرسوم در این شهر بهش پرداختم... با شکستن مجسمه."

"بعد با دوستان عنکبوتی بیشتری برخورد کردم، تو دنیاها دیگه. و تو یکی از اینها بود که من مردم."

"به نظرم همین بود. آخر خط."





”ولی بعد، جایی در تاریکی  
صدایی رو شنیدم. صدایی  
که قبلا شنیده بودم.

تو نمی تونی  
استراحت کنی  
پیتر پارکر.

”اسپایدر گاد.

خدماتت  
هنوز تمام  
نشده.

”و بعد بیدار  
شدم.

”در پيله ای از تار، در کوچه ای  
در بخش قدیمی و فاسد نیویورک.  
درست مثل وقتی که برای اولین  
بار قدرتم رو بدست آوردم.

”که توضیح می ده  
چرا اینجا هستم...“



هنهتن سال ۱۴۳۳  
زهین ۹-۲۱۴

...اینجا  
چه غلطی داری  
می کنی مایلز؟

تو نمی تونی  
از در استفاده کنی؟  
من آگهی نکردم که از  
ماسک استفاده  
می کنم.

شاید جایی که  
ازش میایی هیچکس  
متوجه مردی که از  
ساختمون ها بالا می ره  
نشئه ولی اینجا کاملا  
آشنا هستند...







آه...  
...اینجا  
مردها همدیگه  
رو بغل  
نمی کنند.



متأسفم. خوشحالم که زنده ای.  
وقتی مردی بخاطر اتفاقی که برات  
افتاد خودمو سرزنش  
می کردم.

ببین به چیزی  
رو می دونم و اون  
اینکه کسانی که خودشونو  
سرزنش می کنند آخرین  
کسانی هستند که باید  
سرزنش بشن.

چرا اومدی  
اینجا؟ اوضاع من  
در ارتباط با اون یه میلیون  
چیز مسخره عنکبوتی خوب  
نبوده. پس اگه منو  
برای یه پرونده دیگه لازم  
داری...



نه.  
قضیه به شبکه  
حیات و سر نوشت  
مربوط می شه.

از بین  
رفته. انی می پار کر  
داشت یکی دیگه آماده  
می کرد، ولی غیبش زده...  
و الان... شبکه جدید  
خراب شده.

دارم تلاش  
می کنم انی رو  
پیدا کنم. و اگه بشه  
به بهبود شبکه کمک  
کنم.



فکر کنم می دونم چرا سر از اینجا  
در آوردم. از چیزی مثل مجسمه یابت  
اسپایدرگاد صحبت کردی...

انگار یه نماد  
قوی عنکبوتی باشه.  
اگه بتونم برش گردونم  
شاید وضعیت شبکه پایدار  
بشه.

می دونی  
کجاست؟



آخرین باری که  
دیدمش دست کابلین  
بود.

ولی دیگه دست اون  
نیست... یا چیز  
دیگه.

باشه بچه.  
موافقی زیر چند  
تا سنگ رو بگردیم  
ببینیم چی می خزه بیرون...  
امیدوارم این بت دست  
آدمی خطرناک تر از  
نورمن آژورن نباشه.



در جای دیگر

جالبه.



ابزار من در  
حالت خراب خودشون  
هم می تونند نیروهایی  
رو در این مجسمه  
ثبت کنند.

من شغلم  
با دانش سروکار  
داره. به جادو  
باور ندارم.

ولی باید  
اقرار کنم که هنوز  
نیروهایی هستند که  
علم نتونسته اسمی براشون  
تعیین کنه... یا کنترل  
کنه.



ولی.

در گذشته  
احمق هایی بودند  
که تو رو عبادت می کردند  
و هر کاری برای خدمت به  
تو انجام می دادند.

امروز تو  
در خدمت  
منی...



...و در خدمت  
رایش!





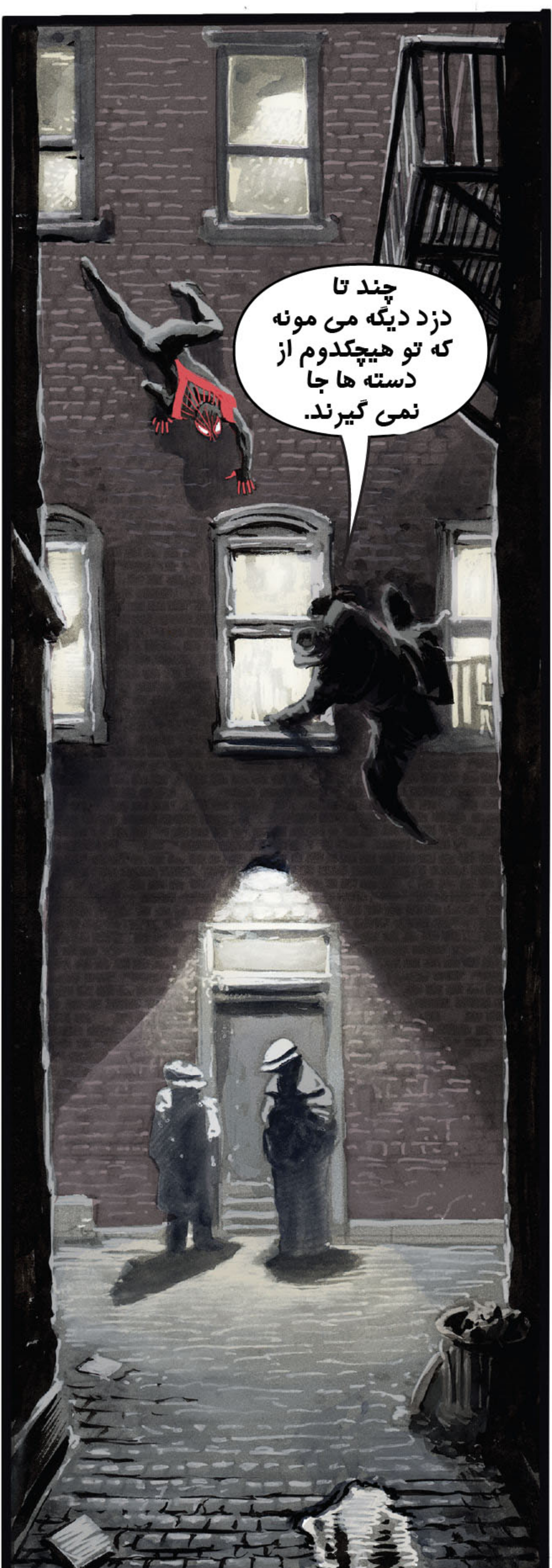


این تمام اطلاعاتیه که از صحنه مربوط به آرزودن داریم. اگه اونجا نباشه حتماً قبل از رسیدن نیروهای ما از اون محل منتقل شده.

ممنون سالی. اینم به پنج دلاری. همه رو خرج اسب ها نکن.



امکان نداره جیمیسون بت رو دزدیده باشه... اون یه آدم منطقیه. تعداد کمی از صحنه جرم آرزودن زنده اومدن بیرون.



چند تا دزد دیگه می مونه که تو هیچکدوم از دسته ها جا نمی گیرند.



کلوب کره سیاه

پیشنهاد فقط مخصوص خانم هاست؟! یا نه!

بنوشید! به حساب آکس و مونتانا!



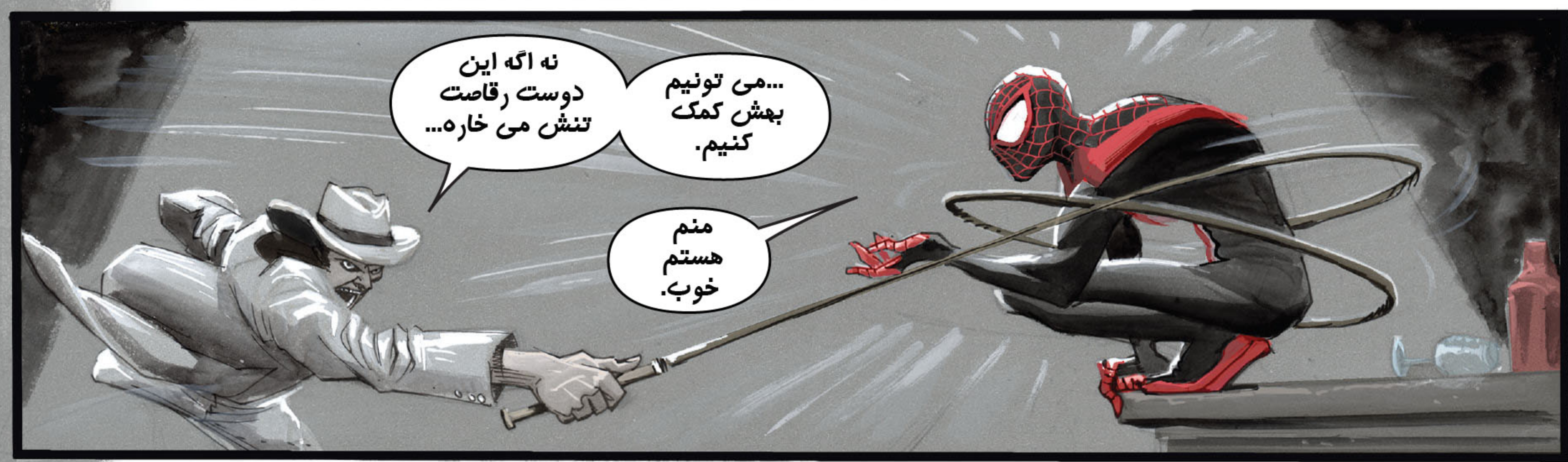
خیلی تبعیض آمیزه.



شماها! سوسول هایی هستید که کار مونو از مون کر فتید!

به نظر می رسه که وضعتون خوبه.

نه ازتون ممنونیم. باید به حساب ها رسیدگی کنیم.



نه اگه این دوست رفاقت تنش می خاره...

...می تونیم بهش کمک کنیم.

منم هستم خوب.



مخصوصاً اگه تو بشقاب بدیش به من.

GNAHH!





می بینی؟  
حالا صحبت کن  
آکس. بت عنکبوتی.  
می دونم تو  
برداشتی.

بهم بگو کجاست.  
و گرنه بیخیال سندلی  
الکتریکی می شیم و تو  
رو به په انفجار ونومی  
مهمون می کنیم.

صبر کن  
چی؟!؟



ن-نه... بهتون  
می گم! فروختن  
اون چیز لعنتی  
آسون نبود...  
...تا وقتی  
به په آلمانی برخوردیم  
به اسم استرام. تا جایی  
که می دونم با خود  
هیتلر کار می کنه.



نه! باید  
تا رسیدن کشتی  
باری دیگه باید صبر  
می کرد. هنوز وقت  
داری. هنوز تو  
شهره...  
اگه داری  
می گی تو آلمانه  
دیگه نمی تونم باهات  
مؤدبانه رفتار کنم.



"...درست بالای پل!"

می دونم که از  
این نکته که کسی اینورا  
منو نمی شناسه استفاده  
می کردی، ولی من از اینکه  
افراد تهدید به مرگ بشن  
حسن خوبی ندارم.

آره، خوب،  
اینورا زندگی  
چیزای زیادی رو سر  
راحت قرار می ده  
که نسبت بهش حس  
خوبی نداری.

اینم په  
نمونه اش...!



...من از  
کشتی های پرنده  
نازی که روی منهن  
پرواز کنن خوشم نمیداد  
ولی می بینی که...!

لعنتی.  
وقتی آکس گفت  
کشتی باری فکر شو  
نگردم...!

زودتر از ما  
بش می رسند...!



"...این یعنی باید امیدوار  
باشیم که به کم معطل بشن."

خانم  
استرام!

تو گلخونه ام.

خانم استرام،  
پیشوا با شکیبایی  
آزمایش های شما رو  
تحمل کردند. ولی همین  
الان باید متوقفشون  
کنید.

اون مجسمه  
رو با خودمون  
می بریم... بهتون  
قول...

خدای  
من.





شما  
می تونید این  
بت رو برید. پیشوا  
هم می تونی بازی های  
ماورایی خودشو  
انجام بده.

ولی  
قدرت واقعی این  
چیزها در صورتی خودشونو  
نشون می دن که با علم تلفیق  
باشن! منظورم ترکیب قدرت  
باستانی اون مجسمه با  
حشراتی خاص  
مثل...

...زنبور.

از این مجسمه  
برای تلفیق قدرت  
عنکبوت با یه میزبان  
استفاده شده. یک  
خدمتگزار در خدمت  
خدای باستانیست.

با استفاده  
از اون من هم  
یه خدا می شم!

HA HA HA!





این زن دیوونه است.

این زن مرده. باید این جایزه رو برسونیم دست پیشوا و این کشور لعنتی رو ترک کنیم.



یکی از دو تا چطور؟

چی؟

اون به موزه تعلق داره.



خوب، هیچکدوم نگرفتینش. ولی سرگرم کننده بود.

حالا فهمیدم چرا منو دوباره برگردوند. اونم نمی خواست من برای هیتلر کار کنم. به نظرم حتی خدایان عنکبوت های باستانی هم قوانینی دارند.



تنها چیزی که نمی فهمم اینه که اون شیشه چیه که پر از ...





می دونستم.  
یه نازی می خواستید  
از جنس زنبور.  
اینطوری یه نازی  
از جنس زنبور ساخته  
می شه؟

فکر کنم  
بانو استرام  
هستند.

به من  
توهین نکنید  
کرم های بی خاصیت.  
منو با اسم آسمانی  
جدیدم صدا کنید...

... مادام  
سوارم!!!





دارن تور منو  
پاره می کنند!

اینجا جا کمه!  
باید بزنیم بیرون!



آره...  
احمقا!

برید جایی که  
هزاران زنبور دیگه  
انتظار تونو می کشن.



او کی، شاید محاسباتم  
اشتباه بودند.

صبر کن. من  
یه نقشه ای دارم! تو  
می تونی یه انفجار ونومی  
بزرگ راه بندازی،  
درسته؟

آره، ولی  
بعدهش کلا بی استفاده  
می شم. تازه نمی دونم آیا  
جلوشو می گیره یا نه.



می دونم که  
می شه.  
من تو یه  
مجله خوندم که  
اون کشتی ها رو با  
گاز هیدروژن پر  
می کنند.

شنیدم.  
باید مطمئن بشیم  
کسی اون تو نمونه.



اون با  
من.  
مجسمه رو  
بنداز بیاد.





مگه دنیای  
فیلمه که ترجیح  
داشته باشی!؟

THWP!!



شما احمق و  
ضعیف هستید.  
ابوقراضه فرار کنید؟ شاید  
هم تو اون هواپیما؟

احمق ها!  
می خواهید تو اون  
ابوقراضه فرار کنید؟ شاید  
هم تو اون هواپیما؟

شما احمق و  
ضعیف هستید.  
ابوقراضه فرار کنید؟ شاید  
هم تو اون هواپیما؟



می خوام  
پوستتون رو  
بار سوراخ کنم.

مایلزا!  
خالیه!  
حالا!

دورنام  
dorrname.ir



برید کنار!

KAKAZZATT!



BAWHOOOOOM!



ای جماعت زنبور.

ببین، من فقط نصف حرفاتو متوجه می شم.



الان... چطور  
برمی گردی  
خونه؟

عنکبوتی که  
باهاش کار می کنم...  
انگار می دونه کی می تونم  
برم. الان فکر کنم هر لحظه  
ممکنه منو به دنیایی  
دیگه بفرسته.

خوب،  
امیدوارم این  
کمکت کنه.



آره، در مورد  
این.

اگه اینو  
با خودم ببرم... و  
ازش برای ترمیم  
شبکه استفاده  
کنم...

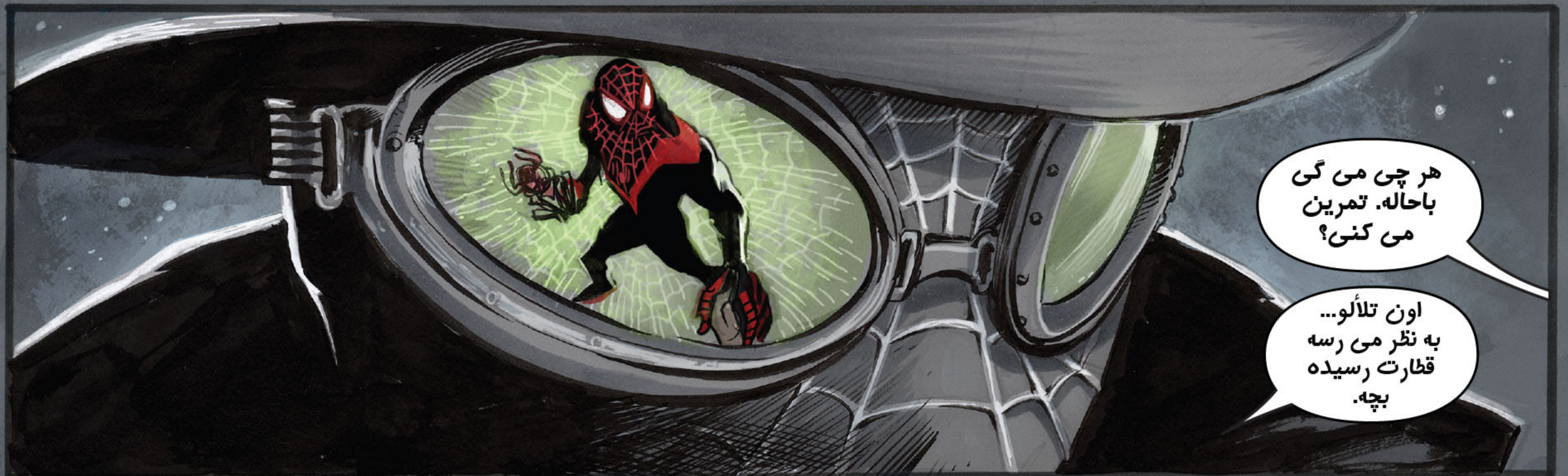
شاید اگه  
دوباره بمیری.



برای همه  
همینطور کار می کنه.  
من درمان خاصی نمی خوام.  
مطمئنم لیاقتشو  
ندارم.

ببرش.  
هر کاری لازمه  
انجام بده.

من با مشت ها  
و این اسلحه کارمو  
پیش می برم.



هر چی می گی  
باحاله. تمرین  
می کنی؟

اون تلالو...  
به نظر می رسه  
قطارت رسیده  
بچه.

و بله، من  
تمرین می کنم.

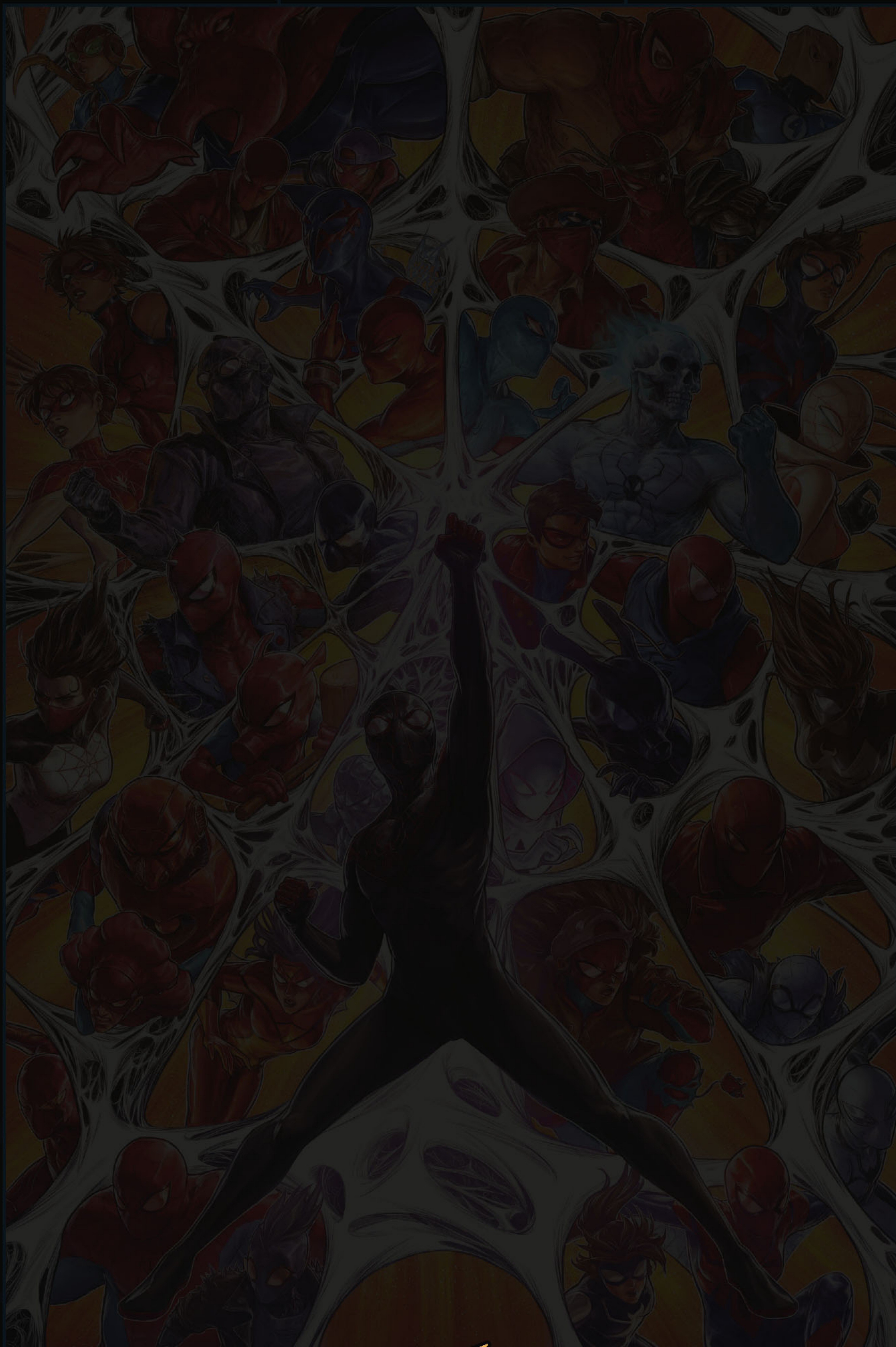
قدرت زیاد مسؤلیت زیادی  
بدنبال داره... ولی این به اون  
معنی نیست که نتونی برایش  
یه کم کلاس بذاری.





# SPIDER-VERSE

NEXT:



دورنام

dorname.ir

مربع کمیک های فارسی